



# اجتماعی

همزمان با استقرار جمهوری اسلامی بود، بیش از نود سال، از عمرشان در دوران پرفراز و نشیب طی شده که برای زن ایرانی دورانی حیاتی و اساسی بوده است. چنانچه به زندگانی و فعالیتهای این بانوی بزرگوار از این دیدگاه نگریت شده، باب جدیدی گشوده می‌شود؛ بانی که نشان‌دهنده عمق نگرش ایشان در جهت‌دهی به جامعه زنان کشورمان است و حافظ هویت آنان در مقابل تهاجماتی است که طی این دوران طولانی جریان داشته است. در واقع برای شناخت بهتر اهمیت اقدامات بانو امین در زمینه‌های علمی و فرهنگی، شناخت زمانه ایشان ضروری به نظر می‌رسد.

خاتم امین در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۵ هجری شمسی) به دنیا آمدند. سال‌های جوانی ایشان تا حدود ۱۳۰۰ هجری شمسی در دوران قاجار و مشروطیت طی شد؛ تا این که تغییری در حاکمیت سیاسی روی داد و رضا خان به قدرت رسید. به این ترتیب قضایای کشف حجاب (۱۳۱۴ هجری شمسی) نیز مربوط به اواسط عمر ایشان است.

طی سالهای قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی جریانهای مختلفی وجود داشت که هدف و عرصه کارشان را عمدتاً بر مسائل زنان قرار داده بودند. از جمله هشت نشریه زنان که در این سالها منتشر می‌شده نشریه «زبان زنان» بود که در اصفهان به چاپ می‌رسید و صاحب امتیاز آن صدیقه دولت‌آبادی بود؛ و از جمله پنج جمعیت زنان که در این دوره شکل گرفتند نیز «شرکت خوانین اصفهان» بود که آن هم در اصفهان و توسط صدیقه دولت‌آبادی (۱۲۹۷ هجری شمسی) تأسیس یافت.

این جمعیت‌ها و نشریه‌ها اهداف خاصی را تعقیب می‌کردند و در واقع آغازگر حرکتی فرهنگی و زمینه‌ساز اقداماتی شدند که بعدها رضاخان آن را استمرار داد و به فعلیت رساند؛ و به آن شکل قانونی داد. این جریان فکری نگاه جدیدی بود که تغییر همه ارزشها را توصیه می‌کرد و زندگی و نحوه نگرش را رواج می‌داد که با تسلیم بدون قید و شرط به غرب و از «فرقی سر



## در بلوای تجدد

احمد مسجدجامعی

تجلیل و بزرگداشت مرحوم خاتم امین همچنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند کاری است سودمند و در جهت احیای ارزشهای معنوی زن مسلمان در جامعه.

این بانوی مسجدهنده در مسیر پسرپرستی خود موفق به طی مدارج علم و معرفت شدند؛ و از ایشان آثار بالارزشی در زمینه‌های فقه، اصول، عرفان و اخلاق به یادگار مانده است که از جمله می‌توان تفسیر پانزده جلدی مخزن‌العرفان را نام برد. از طرفی بانو امین عمر خود را صرف تعلیم و تربیت کردند و تلاش و اهتمامی که ایشان در زمینه فعالیتهای فرهنگی و تأسیس مدرسه و حوزه علمییه خواهران داشتند، درخور ذکر و توجه است. اگر به سنوات عمر این علویه محترمه (۱۲۶۵ - ۱۳۶۲ هجری شمسی) دقت کنیم متوجه می‌شویم، جز چند سال اواخر عمر ایشان که



تا نسوک یا فرنگی شدن» تناسب داشت. متورالفکران غریزدهای نیز که از حامیان بسط این جریان بودند، برخی اروپا را دیده و بعضی در مناطقی چون عثمانی و روسیه زیسته بودند؛ ولی تعداد کثیری از آنان را محصلان مدارس خارجی واقع در ایران تشکیل می‌دادند که عموماً توسط اقلیتهای دینی بنیان نهاده شده بود. اینان زیر نظر مریشان و معلمان خارجی «حقوق بشریت»، «حریت کامله» و «دانش‌نو» را می‌آموختند. به این ترتیب این گروه که به عنوان نخبگان بومی معروفیت می‌گرفتند و مقبولیت می‌یافتند با انتشار وسیع افکار و تبلیغ گسترده عقاید خود اعتقادات و مآثر دینی و ملی و روح مذهبی را مورد نیشخند قرار می‌دادند و به نام «آداب جهانی» به دفاع از ارزشهای جدید غربی می‌پرداختند.

از طرف دیگر، ارتباط منفعل با خارجی‌ان و نفوذ آنان به اندرون خانه‌های رجال و درباریان و گروه معرفیت یافته به متورالفکر، باعث تغییر سلیقه مردان و زنان، توسعه هرچه بیشتر مصرف کالاهای تجملی و زینتی ساخت غرب، تغییر در نوع آرایش صورت و ظاهر و چگونگی پوشش و لباس و انجام مراسم و سرگرمیها و جشنها در فرهنگ ایران شد. ارتباط افشار متوسط با این گروهها نیز موجب گسترش این امور در بین سایرین گردید و «تنبه به کفار» که تا آن روزگار مذموم بود، به شدت رونق گرفت و موجب مباحات و افتخار شد. پوشش زنان نیز از این تموض همه‌جانبه در امان نماند و به این ترتیب زمینه‌ای فراهم شد تا رضاخان با قوت و قدرت این جریان را سرعت بخشد و از جمله کشف حجاب را به صورت علنی و قانونی درآورد.

قابل ذکر است که در این دوران اصفهان کانون جریانهای فرهنگی و اجتماعی مختلف و حتی متضاد بود که ابعاد آن بسیاری از نقاط کشور را هم فرا می‌گرفت. از طرفی در سال ۱۳۲۴ قمری (مطابق با ۱۲۸۱ هجری شمسی) سیزده تن از علمای اصفهان «استفاده اتمه مصنوعه در بلاد کفار» و «ترویج کفار» را تحریم کردند و از عموم مردم خواستند با کسانی که به این امور پایبند

نیستند، معاشرت نکنند. گروهی از تجار متدین اصفهان، که خانواده مرحوم خانم امین هم جزو آنها هستند، نیز در این قبیل حرکتها حضور فعال داشتند و حتی پیشنهاد می‌دهند که «قانون استخدام هم مقید به این شرط باشد که اجزایی که گذرانشان از بیت‌العمال مردم است لباسان باید همیشه وطنی باشد.» و....

از طرف دیگر افراد جمعیتها و نشریه‌هایی نیز در لوی نام آزادی و تجدد به اشاعه افکار جدید، در این شهر (اصفهان) می‌پرداختند که از جمله می‌توان از فعالیت «سپتا»<sup>۲</sup> مؤسس سینما در ایران و انتشار مجله‌ای به نام و توسط او و فعالیت «انجمن خواتین اصفهان» و انتشار مجله «زبان زنان» توسط صدیقه دولت‌آبادی نام برد. و با توجه به وضعیت خاص فرهنگی و اجتماعی اصفهان در آن زمان است که نقش و جهت حرکت خانم امین اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

اما در همان دوران، یعنی سالهای قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی، نگاهی سستی نیز نسبت به زن وجود داشت که به حرمسراها محدود می‌شد و مانع فعالیت فرهنگی و اجتماعی زنان بود. دیدی که مانع تحصیل زنان بود و حتی مجوز فراگیری خواندن و نوشتن را به زنان نمی‌داد؛ زیرا تحصیل را مقدمه‌ای برای حضور اجتماعی زن در جامعه می‌دانست. البته بعدها که مدارس جدید گسترش یافت توجهی برای این قضیه پیدا شد. بسیاری از خانواده‌های مسلمان و متدین ترجیح می‌دادند حتی به قیمت عدم آشنائی با «دانش‌نو» بخصوص دخترانشان را وارد این مدارس و مجامع نکنند، چرا که احساس می‌شد علم جدیدی که به آن نحو تبلیغ می‌شود، موجب بی‌دینی خواهد شد.

کتاب «خاطرات تاج السلطنه» دختر ناصرالدین‌شاه، که از بنیانگذاران حرکتهای زنان در عرصه بی‌بندوباری و بی‌حجابی در ایران است. و همین جا گفته شود که زندگی بدی داشت و مرگش هم فجیع بود. گوشه‌هایی از این جریان را بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه معلم او عقایدی را توجیه و ترویج می‌کرد که منجر به بی‌دینی این زن شده است. البته توجیه او براساس

ستهائی بود که به غلط اسم دین به خود گرفته بود. تاج السلطنه نقل می‌کند که یک نفر از اقوام نزدیک وی، که خیلی عالم<sup>۱</sup> و فاضل می‌نمود، به او تکلیف می‌کند: «فلانی! بیایید تحصیل کنید، فرانسه بخوانید. شخص بی‌سواد انسان نیست.» و او که هم علاقه به فراگیری سواد داشت و هم مرعوب این توجیه شده بود می‌پذیرد و جریان تغییر لباس و لا مذهبی خود را چنین شرح می‌دهد: «این جوان نجیب، هفته‌ای سه روز به من درس می‌داد. در تنفس و موقع استراحت صحبت مذهبی می‌کرد و از «طبیعیون» قصه می‌کرد. من در اوایل خیلی متغیر شده با او مجادله می‌کردم. بعد، کم‌کم گوش می‌کردم. پس از مدتی، باورم کردم. اول کاری که کردم تغییر لباس دادم: لباس فرنگی، سربرهنه؛ در حالتی که هنوز در ایران، زنها لباس فرم قدیم را داشتند. پس از لباس، ترک نماز و طاعت را هم کردم؛ زیرا با آستینهای تنگ و لباسهای چسبیده، وضو ساختن و نماز کردن مشکل بود. پس از این که نماز ترک شد، تمام مذاهب و اعتقادات را باطل شمردم ... و هرچه روز به روز در تحصیل پیش می‌رفتم بسلامذهبی دامن زدم تا این که بکلی طبیعی شدم.»

خانم امین، در چنین دورانی که عده‌ای این چنین خودباخته فرهنگ غرب بودند و عده‌ای نیز تحصیل را عیب می‌دانستند و چون آن را مقدمه حضور زن در فعالیتهای اجتماعی می‌دیدند از آن پرهیز داشتند، با پشتکار و کوشش کم‌نظیر و با وجود مشکلات متعددی که در آن زمان برای تحصیل زنان وجود داشت به تحصیل علوم و معارف اسلامی تا مدارج عالی همت گماشتند. در نتیجه به درجه اجتهاد نایل شدند و به تألیف کتب ارزشمند خود از جمله اربعین حدیث، اربعین هاشمیه، سیر و سلوک، مخزن اللثالی، معاد، اخلاق، روش خوشبختی، نفحات الرحمانیه و تفسیر مخزن العرفان پرداختند.

به این ترتیب از همان دوران، با تدریس و پاسخگویی به پرسشهای دینی و ارشاد دختران و زنان، پایه گذار حرکت علمی و معنوی زنان در عصر خود شدند. در سالهای بعد نیز ایشان با

تأسیس مدرسه دخترانه و حوزه علمیه خواهران به فعالیتهای اسلامی خویش، در مقابله باجریانی که در جهت تبدیل زن مسلمان ایرانی به زن مصرفی و تجدیدزده غربی آغاز شده بوده قوت بیشتری بخشیدند که آثارش تاکنون نیز باقی است! و امیدواریم که بیش از این شاهد نتایجش باشیم.

در سال ۱۳۱۴ تحولی کیفی روی می‌دهد: رضاخان بی‌حجابی را رسمی و علقی و اجباری می‌کند و این یکی از وقایع بسیار قابل توجه در تاریخ زندگی زن ایرانی است. این امر از جهت مورد دقت و توجه است و این که تغییری که در سال ۱۳۱۴ توصیه می‌شود و به صورت قانونی در می‌آید، ادامه یک حرکت فرهنگی است که در سالهای قبل شکل گرفته است. به عبارتی، برای تغییر ارزشهای زن ایرانی و گسترش بی‌حجابی، ابتدا ما شاهد گرایش و گسترش بی‌حجابی در صورت کلی فرهنگ هستیم. به این معنی که از دوره قاجار ادبیات ما ادبیات برهنگی می‌شود اگر اشعار شعرای این دوره (که شاید اوجش اشعار ایرج میرزاست) با اشعار شعرای دوره‌های قبل مقایسه شود، حتی در مقایسه با اشعار و ادبیاتی که اصطلاحاً آن را ادبیات عاشقانه می‌گویند، می‌بینیم که در این دوره بی‌پروایی و بی‌بندوباری، به صورت خیلی صریح و بی‌پرده، عرصه بسیار وسیعی پیدا کرده است.

در حوزه ادبیات داستانی هم نگارش داستانهای عشقی و سوز و گدازهای شهوری شدت رواج می‌یابد. ترجمه و نشر آثاری از قبیل «شبهای پاریس»، «مادام انگلیس»، «معتشوقه ناپلئون» یا برخی از آثار نویسندگان مشهور آن دوران همگی زمینه‌ساز گسترش فرهنگ بی‌حجابی در این دوران است.

این روند بی‌حجابی در هنر و معماری و شهرسازی جدید هم دیده می‌شود. در معماری سنتی ما حفاظها، درها و هشتهایی که وجود داشت، مجموعاً فضای خاص را به وجود می‌آورد؛ اما گرایش به سبک معماری جدید که به آپارتمان‌نشینی منجر شد، بعضاً تا سالهای قبل از انقلاب خود فضایی حاصل آورده است که

رعایت حجاب در آن امکانپذیر نبوده است. با چنین زمینه‌سازی فرهنگی است که در دوران رضاخان، در ۱۷ دی ۱۳۱۴ با اعلام رسمی و علقی بی‌حجابی مواجه می‌شویم.

علی اصغر حکمت، بنیانگذار مسئله بی‌حجابی که برنامه ۱۷ دی را طراحی کرده بود، در خاطراتش نقل می‌کند که ما از مدتها قبل و از سالها پیش جلسات متعددی داشتیم و در این جلسات برنامه‌ریزی می‌کردیم که چگونه زمینه گسترش تجرد در بین بانوان را فراهم کنیم. در این جلسات که علی اصغر حکمت شخصاً آن را اداره می‌کرد، برای کشف حجاب برنامه‌ریزی می‌شد.

می‌بینیم که موجی وجود دارد. این موج می‌آید و از طریق کتابها و نشریات خاص خود نظریاتی رایج و القاه می‌کند. در عرصه‌های دیگر هم همین‌طور است. قبل از این که مسئله بی‌حجابی رسمی و علقی بشود در سینماهای ایران فیلمهای وقیح سینمای بی‌بندوبار غرب خاصه قبیح‌ترین فیلمهای فرانسه را به تماشا می‌گذارند. برای آنکه تصور کامتری از آن دوره داشته باشیم، نقل این مورد خوب است: این مطلب قسمتی از مقاله‌ای است که آن روزها (سال ۱۳۰۹) در یکی از نشریات نوشته شده بود: «فیلمهای سینمای ایران که اکثر آن فیلمهای فرانسه است (فساد فرانسه در آن زمان حتی در اروپا شهرت داشت) طوری مهیج شهوت است که حتی پیر مردهای هشتادساله را هم تحریک می‌کند، تا چه رسد به جوانهای عذب و دختران معصوم». این نوشته ۵ سال قبل از کشف حجاب منتشر شده است و نشان می‌دهد که نه تنها جوانهای عذب که حتی دختران معصوم (و نه تنها زنان شوهردار) به سینما می‌رفته‌اند.

مجموعه این حرکات زمینه اقدامی را فراهم می‌کند که ارزشهای فرهنگی و ملی را زیر سؤال می‌برد.

به هر حال در چنین شرایطی شاید بهترین کاری که خانم امین می‌توانست انجام دهد، ایجاد یک حوزه خاص تحصیلی و تربیتی بود زیرا جریان غربگرا نیز از تعلیم و تربیت افراد و اشاعه

افکار خود، از طریق ایجاد مدرسه‌های جدید، و تأسیس انجمن‌ها و کانونهای فرهنگی آغاز شد. این انجمن‌ها گسترش پیدا کرد و گروهی از شاگردان همین کانونها بودند که بنیادهای جدیدی را در فرهنگ ما گذاشتند. حرکت سنجیده خاتم امین هم در همین زمینه است. یعنی ایشان هم تلاش می‌کنند با اشاعه و تعلیم مبانی فرهنگی ملی و اسلامی شاگردانی را پرورش بدهند. بدین منظور مکتب و مدرسه بنیاد می‌نهند؛ آثاری تألیف می‌کنند و مجموعاً نهضتی را شکل می‌دهند که در برابر آن موج منحط و اغواگر بتواند مقاومت کند! بایستد و در روند خودش به یک حرکت تهاجمی تبدیل شود.

خانم امین در جهت اجرا و انجام اهدافشان با سرمایه خود یک دبیرستان دخترانه و مکتبی به نام فاطمه (سلام الله علیها) تأسیس می‌کنند و به این ترتیب برای بسیاری از دخترانی که به واسطه جزو حاکم بر آن ایام و مسئله ترویج بی‌دینی و نیز حضور و تدریس دبیران مرد در دبیرستانهای دخترانه از نعمت کسب دانش محروم مانده بودند، زمینه ادامه تحصیل را فراهم می‌آورند. در عین حال خانم امین با برگزاری جلسات تفسیر و تدریس معارف اسلامی و پاسخگویی به پرسشها و راهنمایی طالبان علم و فضیلت بویژه جامعه زنان، به ارشاد آنان در زمینه حفظ شخصیت و هویت اسلامی خویش می‌پردازند. به این ترتیب مردم نیز از شهر و روستاهای دور و نزدیک برای استفاده از ارشاد و موعظه‌های ایشان به نزدشان می‌آمدند و بهره می‌جستند.

از سوی دیگر، ایشان با نگارش مقاله‌ها و کتابهای سودمند به روشنگری و پاسخگویی به پرسشها و تحلیل مسائل زمانه می‌پردازند؛ مثلاً در کتاب «روش خوشبختی» به تفصیل مسئله حجاب و کشف حجاب را مورد بحث قرار می‌دهند. و در بخش «مطرفداران کشف حجاب چه می‌گویند؟» می‌نویسند: «گویند یکی از مقصدهای حجاب این است که حجاب مانع ترقی زن است و زن را از هر کمال و فضیلت محروم می‌گرداند و بزرگتر جلوگیری آنها از کسب



علوم و صنایع و تجارت و فلاحه، و آنچه موجب استقلال و سعادت آنهاست همان حجاب است. و چنین پاسخ می‌دهند: «هر دانشمندی می‌داند که تعلیم و تعلم و کسب علوم به هیچ وجه منافات با حجاب ندارد و حجاب مربوط به رشد عقلی و علمی زن نیست...»<sup>۱</sup>

به این ترتیب ایشان به پرسشها و مسائل زمانه در خصوص حجاب و کشف حجاب پاسخ می‌دهند و زنان مسلمان را به حفظ هویت اسلامی و مقاومت در مقابل فساد که در آن زمان در سراسر ممالک اسلامی شیوع پیدا کرده بود، دعوت می‌کنند.

چیزی که تحقق پیدا کرد و واقعیتی که شاهد آن بودیم، این است که بعد از برکناری رضاخان، قانون و اجبار به بی‌حجابی لغو و کنار گذاشته می‌شود؛ که البته این انتخاب نبود بلکه ضرورتی بود که سیاست وقت به آن تن داد.

در سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰۶ نظام با این مسئله به صورت جدی مواجه شد که زنان ایران از ارزشهایی که حکومت آن را ترویج می‌کرد، فاصله گرفته‌اند. سازمان زنان ایران در این زمینه تحقیق مفصلی کرد و گزارش داد که علی‌رغم تمام فعالیتهایی که طی این مدت داشته‌ایم، نتیجه مطلوب به‌بار نیامده است و زنان دارند به ارزشهای جدیدی گرایش پیدا می‌کنند - ارزشهایی که مورد نظر و حمایت نظام شاه نبود. زنان ایرانی در ادامه فعالیت‌هایشان ارزشهای اسلامی را انتخاب کرده بودند.

به این مناسبت است که بایستی برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خانم امین جاپگاه ویژه‌ای قائل شد. به نظر می‌رسد این جنبه از فعالیتها و حرکت‌های ایشان به نحو مطلوب شناخته نشده است که امیدواریم توجه لازم به این مهم مبذول شود.

در سال ۱۳۰۰ در جلسه شورای هماهنگی امور اجتماعی، در پی مطرح شدن تحقیق انجام شده توسط سازمان زنان، اعلام می‌شود که اخیراً استفاده از جادز بیشتر شده و در کارخانجات، مدارس، دانشگاهها و ادارات رو به افزایش است!



از این رو طرح گسترده‌ای را با زمان‌بندی کوتاه مدت و بلندمدت تهیه می‌کنند تا بتوانند با این امر مقابله کنند.

به هر حال زندگی خانم امین قرین با دوران پرآشوبی است؛ دورانی که ارزشهای فرهنگی - ملی ما به شدت مورد تهاجم قرار گرفت و ایشان توانستند با طراحي و اجرای برنامه‌های سنجیده و خاص به نحو مطلوبی با قسمتی از این تهاجم مقابله کنند و با خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی که انجام دادند یادگارهای باارزشی از خودشان باقی بگذارند.

امروز که به برکت تلاشها و مجاهدتهایی که امام راحل و شهیدان بزرگوارمان داشته‌اند، ما در شرایط بسیار مطلوبی، نسبت به آن زمانه، به سر می‌بریم، طبعاً وظیفه ما بسیار سنگینتر است و نیاز به طراحي جدید در مورد مسئله زنان به نحو اساسی‌تری احساس می‌شود. بویژه که ما در سالهای اخیر در مورد مسئله زنان بیشتر حرکت انفعالی داشته‌ایم. روی یک برنامه‌ریزی منسجم کمتر حرکت شده است. سیر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان در سالهای پس از انقلاب اسلامی هم کم و بیش این را نشان می‌دهد. آثار منتشر شده به صورت کتاب درباره زنان دقیقاً تابعی است از فعالیت گروه‌های مخالف؛ یعنی زمانی که فعالیت گروه‌ها در این مورد زیاد بوده و ما در مظان اتهام بوده‌ایم، به حالت تدافعی آثاری به وجود آمده و جوانب‌هایی داده شده است. ولی یک برنامه‌ریزی مستقل و مطمئن که شرایط موجود را تحلیل کند و بگوید که ما در شرایط فعلی دنباله چه جریان‌هایی هستیم و چه برنامه‌ای برای آینده باید داشته باشیم، کمتر صورت گرفته است. ما کمتر به جمع‌بندی تجربیات گذشته خودمان نشته‌ایم؛ کمتر به جمع‌بندی شرایط موجود نشته‌ایم؛ کمتر به مطالعه و بررسی و تحلیل فرهنگ کنونی نشته‌ایم. این فرهنگ کنونی شامل عموم جامعه می‌شود و می‌طلبد که ما نگاهی باز و مبسوط نسبت به همه اقشار جامعه در طیف زنان داشته باشیم. برای رسیدن به چنین چارچوب‌ها و تحلیل‌هایی، برگزاری چنین سمینارهایی ضروری

است تا زمینه برنامه‌ریزی مفید و مؤثر و زمان‌بندی شده‌ای را فراهم سازد و در نتیجه بتوانیم با چشم انداز روشتری از وضع موجود و با داشتن سرمشق‌هایی بهتر و روشتر از گذشته این راه را پی گیریم و ان شاء الله به آنچه هدف جامعه اسلامی است نایل بشویم.



**پانوشها:**

۱. در اعلامیه علمای اصفهان استفاده از «کافه خارجی برای قبالتجات، پارچه برای کفن اموات، منسوج خارجی، شرکت در مهمانیهای پرزرق و برق و اعتیاد به مواد مخدر» صحیح شد و امضا کنندگان متعهد شدند با کسانی که به نکات یاد شده پایبند نیستند معاشرت نکنند. و علماً با صراحت اعلام می‌کنند که استعمال ائمهٔ منصومه در بلاد کفار، موجب زیادت ثروت و قوت آنها می‌شود ویر همهٔ مسلمین لازم است آنچه موجب قوت اهالی اسلام است معمول دارند، نه آنچه موجب قوت کفر است. و راه نجات را در مصرف «منسوجات تهیه شده در بلاد مسلمین» معرفی می‌نمایند و با صراحت «مصرف ائمه فرنگی را ترویج کفار می‌دانند».

(به نقل از: سید مصطفی‌الدین مهدوی، «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، جلد دوم، قم، نشر الهدایه، ۱۳۶۷).

آنچه گفته شد به معنای آن نیست که همهٔ روحانیون از یک موضع حرکت می‌کرده‌اند بلکه در بین آنها نیز نظرهای مختلف و بسطاً متضاد هم دیده شده است و احتمالاً افرادی در بین آنها وجود داشته‌اند که به صورتی بسیار افراطی دنباله‌روی بریناثرات غریزه بوده‌اند. از

جمله نقل است که یکی از عمامه به سرهای اصفهانی نماز را به زبان فرانسه می‌خواند و اتفاقاً از همان خاندان مشهور آقا نجفی (مسجدشاهی‌ها) که در اصفهان حدود را هم جاری می‌کرده‌اند، بوده است.

۲. تجار اصفهان نیز در این حرکت سهیم بودند. حاج سید حبیب‌الله امین (امین‌التجار) برادر خانم امین نیز که در دورهٔ چهارم نمایندگی مجلس شورای ملی بوده، تلگراف اتحادیه تجار اصفهان را در این مورد در مجلس قرائت کرد.

در جلسه ۱۷۴ دوره چهارم (مورخ ۲ رجب ۱۳۱۰ = ۱۱ اسفند ۱۳۰۰) یکی از نمایندگان به نام شیخ الاسلام اصفهانی چنین اظهار داشت: یک تلگرافی از اهالی اصفهان راجع به منسوجات ایرانی رسیده بود و کمیسیون محترم عرایض درخواست کرده بودند در مجلس قرائت شود؛ یک دقیقه بیشتر طول نداد، اگر اجازه می‌فرمایید قرائت شود. مؤتمن‌الملک ریاست مجلس اجازه داد و متن تلگراف به قرار ذیل در پایان جلسه خوانده شد: توسط آقای حاج امین‌التجار اصفهانی.

کیه اتحادیه محترم تجاره کیه [روزنامه‌های] ستارهٔ ایران، ایران، طوفان

مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله برکات  
در جراید محترم ایران، دوح کسر سال گذشته هشتاد کرور کسر صادرات و واردات مملکتمان بوده البتة علاقمند به این آب و خاک رامتأثر و باید به فکر علاجی باشد. اتحادیهٔ تجار اصفهان، یگانه علاج این کار را پوشیدن لباس وطنی دانسته، تمام تیار و سایر طبقات با خیال مقدس ما همراه و هم‌قسم که از صبح نوروز متیس به لباس وطنی بشویم. از صوم و کفای محترم استعفا می‌کنیم اگر علاج همین است، که شما آقایان هم همراهی فرموده و زینت بدهید انعام مبارک خودتان را به لباس وطنی. و در قانون استخدام هم متعهد به این شرط باشد که اجزائی که گذرانتان از بیت‌المال مردم است، لباسشان باید همیشه وطنی باشد. هر ایرانی برای [این] که رفع این کسر را بکند اگر در سال بیست و پنج فران از اجناس خارجه کمتر خریداری کند رفع این کسر می‌شود. اتحادیه تجار.

به نقل از: «کیهان» مورخ ۱۱/۱/۱۵، قسمت ششم از سلسله مقالات «اسناد تاریخی در رفع وابستگی اقتصادی - پیرامون مسأله با مصرف کالاهای خارجی».

۳. معلوم شد سیتا یکی از پایه گذاران سنجای فارسی از

اصفهان برخاسته. اولین فیلم فارسی «جنفر و دختر» از ساخته‌های اوست. آقای منفی که در گذشته چندین سال در اصفهان زندگی می‌کرده، به پادش آمد که روزنامه‌ای به این نام نیز دیده است. آقای سنجائی گفته او را تأیید کرد و افزود که اصفهانی زرنگ و همه کاره [ای] است. او گفت: سیتا علاوه بر کار فیلم، روزنامه‌نگار نیز بوده است و زمانی اصفهان شاهد چاپ و پخش روزنامه‌های محلی پرسروصدا و جهانی بوده است. بعضی از آنها هنوز هم چاپ می‌شوند.

(به نقل از: سید محمد علی جمال‌زاده «کتاب اصفهان» - گفت و گوی خانوادگی دربارهٔ اصفهان - تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳).

۴. برخورد با پدیده‌های جدید و بهره‌گیری از علم جدید در توجیه آن، داستان شیرین و عبرت‌آموزی دارد. علم جدید در ایران از همان ابتدا عقلانی و سیاسی یافت و در کنار اموری چون سرگذشتن شاپو، بستن کراوات، تراشیدن ریش و رفت و آمد با خارجی فرار گرفت و اسباب تأخر، نظاره، تجمل و فضل‌فروشی در جمع اقران گردید. از این قبیل است: به کارگیری مکرر و بی‌مورد کلمات خارجی در بین جماعات فارسی، نقل اخبار از سفرنامه مستر روزولت در مملکت اتنازونی امریکا، تأثیر نور و هوا و اشمه حیات بخش و پرقابده خورشید در از بین بردن میکرب، که منجر به اثبات این اصل مهم علمی و نوآوری بدیع گردید که زنان فرنگی به دلیل نداشتن سربند و پوشش کامل در معرض هوا و نور آفتاب قرار دارند، و همین امر باعث از بین رفتن میکروبی‌های احتمالی و اسباب سلامتی و شادابی و تناسلی و رضایی آنها می‌گردد؛ برخلاف زنان پرمه‌تین ایرانی که خود را در پارچه‌های سیاه پیچانده و از هوا و نور آفتاب و گرمای خورشید (!) محروم ساخته و لذا از قوت و قدرت و چابکی و چالاکی و صحت و تندرستی و طراوت و شادابی بکلی بی‌بهره‌اند (!).

۵. مراجعه کنید به: علی اصغر حکمت، «سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی». تهران، انتشارات وحید، ۱۳۵۵.

۶. مقایسه کنید با مقاله روزنامه اطلاعات (به چاپ رسیده در ۱۶ بهمن ۱۳۱۱) در باب ضررهای جسمی و روحی حجاب که اظهار می‌دارد: «اگر در ضررهای معنوی و روحی که از چادر به تربیت عقلانی و تقویت قوای روحی زن متوجه است دقیق شویم، خواهیم فهمید که تا چه اندازه در نفس تربیت و باز داشتن نمو فکر و قوه دیا که و بروز استعداد و قابلیت فطری او دخالت داشته است.» حالا چگونه؟ معلوم نیست.

